

اوقات نازی و استرالیایی بر آنها که برابر با چه؟

گزارش فاجعه
بدون فاجعه است
و اثرش میوه

در سال گذشته با یک بار و قانون گزاران که بنا بر آن
اگر زنگها در خودت نوجوان عمل کرد. اما با یک بار شایسته
مجاز خواهد بود. این قانون پیژدر مورد لوفزاد با نفع تصویب
شده بود.

از کول در فرانسه و صنعت ون ن لامبر Vincent Lambert

مرتب در جوار و اروپا و دکن زدن مورد کب است. ون ن لامبر
عنوان تزییناً به سال است که آنکس است تردید به
۵ سال است که در انجمنی محبت فرزند است مهد ادراست در خودت
اوقات نازی و استرالیایی با نفع امر کاندن مخالفه. و کلاما داد
طانت مهد و تو هم نیز نه و مقامات تو کاره سال را می خواهند
بسیار و فقط ارضاع بهینا گونه او را دارد.

این مرفوع بر این است که در مورد تصویب و مربوط به همان
است. این مرفوع نیز شایسته و بعداً در این مورد
خردم را تشکر حضرتان خواهیم کرد

بدون اسخ که کجایم داد کتب ه ما کار دیکاتور و ارسدم نافرسته
 اسخ مرفوع ادتانهما در زمان رایش سوم را در تقویم محکم کنند
 که در مدرسه آن در سال هاشم ^{۱۹۹۹} در بهر سپه متا کت
 محندان خوشترها در زمان رایش سوم انقضه بدوم
 ترزون دهها در بجهای بنام کت در دستجهها در عوانف
 و ~~کاسر لافون~~ از کت **300** هزار بین ه که در بیمارستانها
 روان الا لبدنه سخن نمیدید و ماکر لافون از کت هم هزار
 بیمارستان در فرانسه کت حکومت ناسی و سوسی پرده بر میداد
 تا برشته دانشها .

قصیر سال ۱۹۳۹ در اعلامیه نوت : که در
 برنت و لبر دستور داد تا نرنگا تا انتاب کت تا س
 « اینها ناس حمیتی و با نکیه بر احد معلولت علما اردزها و قفاد
 انان خود » کوریکان مرفی لا عدوچ را با برگ کردن
 از نرنگه رها کت که سر از کوریکان نوت بدلوله قال
 بالغ دیکم که بدلوله قال جو بنزد جوانتر رسید تا یکا که
 مخرجوانان ناستادل را منبند ه ما سبه مدبر مرگ منفسادند

بربرها دو سید زرشکی دفتر پسران ۱۳۰۱۲۰۱۷

دلالتها از انگورن « حینا به خودی میخندد یا گریه میکند - جنگ بکند -
- بلا و پستی میبرد کند زین است . براس منبر من خوب
میخواند مذکور بنده ... » « ^{هو} برگ شین « را
را بن ^{هو} ساخت

در سال ۱۹۸۵ لجنین « خوانده ها از حق مرد

با حق « در سیر کنگره بڑا بار است ۵۰۰۰۰ کف
کفسر دار بود که کرسیتان با برادر و شون شو اتز تیر
از چه ستران آن بودند
رر فرزند ^{معلم} خانم نسبتا سن که در کوشه
نشه بود بی ذرات دلت
سال است که قوام از روز بروز بتجلیل میرود در دها ما رما
مرانیم مدح گردانند دیدالم و در ما ش هندان دور دگر تانان
ماه نیاد و بلا که سن از کس طبعه را تمام داشت تا براس خود خرد
کاتبه در حق دین نه هکر - انه - ضارا سکر مکنه که

با این الگویی که استادم که در آن مقام مرا بابت سید

لذات این درددن عذاب رهاش کنه . حاوی یک جابجایی

دست زینو . من بلندم دستم تعب میکنم در میان این

دیده که بر این این ضمیمه دست زدن کی نیست ضمیمه نگران

با سید من سابقا قول میدهم در آن موقع داد و ایند برابر می فرستایم
راکتی در بر مردمی نسبت کنه .

خوبه و تلوزیون دانسته بدست در حال مصاحبه بود که از پسر

در گوشه گفته حرفش برای ن جالب است در برهه

ضبط شد . سینه صبح ایتالیایی (فامیلیا کلا تولدیکا)

سنگان را با زور کرد .

در آن زمان من در بیمارستان بودم با زور با رط

سینا که مردم همین روز در خوات بیمارستان در مورد اوقات

برخورد کرد لبدم فکر کردم مطالعه در این باره مستهانه جالب باشد

لذا با هر کس که بفرمانم بر پسر فایده گفتیم و آنرا برای این

مرکز مبارزه با سرطان . یک خانه بیمارستان یک بیمارستان در آنجا

مخالفته دقیق بر در این تو سببها نشان میداد که گن شد (6)

مشورت مدارها بیداران را داشتند و در مقابل بیداران از رشاد
آنها عاجز میمانند اینها برای خود شکسته محسوب میگردند در از اینها
حرفه که انتساب برده اند و در خود آگاه مگر آنگاه که کسب

5

در این روشها ~~سوالها~~ لطیفه خنده پس بود .

آنها نیز بیداران صعب العود را باید که ~~کند~~ اذیتها کرد و با
آنها تقابل از من گشای که دارو کعبه - خط ناک بر آنها آورده شدن

در دهها بیدار بجا میبرد اگر بر این مرد اذیتها کرد و یا نه

آنها با لغت حبیبی امام دین خود گشتی موافقت یا نه .

عبارت است که ⁽¹⁾ حجه ائمت جواب دهند همان با اذیتها

امام وقت چنین موافقت کرده در این فن خود گشتی کرده
نیز ~~طریقت~~ اینها گشتی دیدی آری خود گشتی نه !

د (ج) هم تقابل آنگاه من گشای که دارو کعبه خط ناک بجا میبرد

اذیتها نمیند بعد از آن در آورده هر گز دیگر ما فقط

تجربا بهش او از در درخ لبند

خداوند جان عزیز پاهای منم آفتاب نبرد با باد و باران و فلسفه
 با جانم همدان را اگر ندیده باشم ببینید . تا قدر میانه
 دنیا که بر جفا بزرگترین است تقسیم مردم میکنند به یک بزرگ

اصد در قانون زندگی در مورد بزرگترین از دلائل مختلف

اوقات ممکنه . اودا ان نه لصد ممکنه که اگر بدو آنگاه از بزرگ

عمر آنان پایان خسته در صحت زندگی در دست خودشان

است و ناقدانگاهند ممکنه اگر این دست را ندهند ادب پیدا

خواهند کرد ! جنبه های مادی این موضوع را نیز نباید فراموش

است . میادیم که خرج کرد بسیار در آموخته ما ، آفرین

از تمام دوران زندگی بزرگ است . حالا قدر بزرگ را ببینید

اگر ، ، آقوا « بزینم » بجهها بجای هزار صدها صفا

خواهند داشت .

۸ در آن آنکه بخوانیم داد مذهب کوم نمیده ایم به ۱۰ فرمان

۱۱ - کینه . چرا که در قتل سنان ۱۱ مانده ۹ فرمان دیگر
از دست راست است که نمائند است غزیرها این نهادن محارم کینه و بران
حد و حدیثا محین کینه

بگو حقا که لسته ضایعه کرد که من که است اوله

مبارزه با پستری سرگناه او تا نما ۱۱ هستم . حیز

منه میدانم که تمام من کتبان در عمرشان نگاه مریض را

در حال رنج و عذاب آفرین روزی در کفایت سینه با دارد و با

(لازم و خطوط ناک ۱۲) اورا نجاب ادبها سینه . ~~و~~

~~مظهور را و در مریض است که~~ ~~زیر شکم باید دید که~~

~~موضع کینه را~~ ~~سینه~~ ~~باید دید که~~

کینه در ~~باید دید که~~ ~~سینه~~ ~~باید دید که~~

باید دید که سینه ~~باید دید که~~ ~~سینه~~ ~~باید دید که~~

وردان است دانش در مینه است .

همگان آنکه من است ~~باید دید که~~ ~~سینه~~ ~~باید دید که~~

به لایه های مختلف

دو آیا بعد از وضع خدفا کندنی کرد ؟

~~لغز زنگون نماند یک طایفه آفرینا کف دست بر میسد~~

~~بیا ارا که کتبه اینه ارا بر این وضع کرده اند~~

~~وضع کرد ؟~~

هنر و نالامیر اندن بر یک سال

ات نه ضد و گرقه نه بید، است دند که می زند و تانگونی

داعلمها طیب دارد آیا میشود ادا محکوم کرد که هوا

از دس رگ ~~کوچک~~ دس نرادارد ؟

وانا کچونه اینه در سا که ون نارا دین آورد ؟

مستیان دفع داشت که دستور برگ ادا امضا کند ؟

~~لغز~~ آفریننده در دله سنجف و سزنگت سرود اعتماد او

صفا و کسبا و و اید در ادبند ز تونها بایه ازال کرد در یک

برای اتم وضع و آفرینا در بیجا زنده همین اوردن سزنگت

که این ضرب الهی و قاتلین و هم از اصد صد کرد است

برای مردودن فردا خود را آماده کن

دو طرفی زندگی کنند که نفعها زندگیها جدا اند

در سر دارم

بدون این که کتب هم دارد کتب هم کار کرده و از مردم فاخره

این موضوع ادواتها در زمان رئیس سوم را در تمام محکمات

و (۱۹۹۹)

که در دوران در سال ها پیش در همه این کتابت

عنوان خوبیها در زمان رئیس سوم اندیشه دوم

تریدن دهها آری بجاها بنام کتابت در دستها در عرفان

و کتابخانه از کتابت 300 هزار بین کتاب در بیارند آنها

ردان الا لودن سخن میگویم و ماکر لافون از کتابت هم هزار

بیا روان در فرانسه کتابت کدورت کتابت و سبها برده بر بیارند

با برشته دانشها .

قصیر سال ۱۹۳۹ در اعلامیه نوشت : که در

برکت و لاجرم دست بردار تا نزدیک نا اشتهاب کتبه تا پس از

« اینها کتابت جمعی و با کتابت بر احمد معلوات علما اردزها و قفاوت

ان فی خود » کوریکان مرفی لا عدو را با برگ کردن

از زنده است - یا کتبه که سر از کوریکان کتوب بدلولی کتال

با این دیکم که بدلولی کتال خوبتر در جوانتر رسید تا یکبار که

ببخشید اینها را متداول را منبذند با هم بد بار مرگ منوی کتال